

روش‌شناسی کشف و اعتبارسنجی اسباب نزول

(الگوریتم دستیابی به اسباب نزول آیات)*

عبدالحمید واسطی**

چکیده:

مساله این مقاله، دستیابی به روش قدم‌به‌قدم برای کشف اسباب نزول آیات قرآن و شاخص‌های اعتبارسنجی آنهاست. در این بحث که از مباحث علوم قرآنی است، با روش کتابخانه‌ای، پس از تعریف و کاربرد دانش اسباب نزول، منابع متقدم و متأخری که سبب نزول آیات را ارائه کرده‌اند، بر اساس تاریخ تدوین فهرست شده و تفاسیری که بیشتر به بحث اسباب نزول پرداخته‌اند، معرفی شده است. سپس پنج شاخص برای ارزیابی و اعتبارسنجی این منقولات مرتبط با سبب نزول عرضه گردیده است که برای رفع تعارض میان سبب نزول‌های مختلف در مورد یک آیه نیز به کار می‌روند. در قسمت اصلی مقاله، فرآیند قدم‌به‌قدم کشف سبب نزول در یک آیه و اعتبارسنجی و رفع تعارض، در بیست مرحله ارائه گردیده و جدولی برای سنجش اعتبار اسباب نزول‌های مختلف عرضه شده است.

کلیدواژه‌ها:

علوم قرآنی / اسباب نزول / روش‌شناسی / الگوریتم استنباط

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵.

دانشمندان علوم قرآنی فصلی را با عنوان «اسباب النزول» گشوده و از مفهوم و مصادیق آن بحث کرده‌اند، و مفسرین نیز در تشخیص سبب نزول در آیات مختلف، تحلیل‌هایی را ارائه کرده‌اند. کتاب‌ها و مقالات بسیاری در بحث «اسباب نزول» نگاشته شده است؛ مانند: «اسباب النزول» (واحدی)، «لباب المنقول» (سیوطی)، «اسباب النزول» (حجتی) و...؛ و مقالاتی مانند: «بررسی آماری اسباب نزول» (حسینی)، «راهکارهای حل تعارض در اسباب نزول» (غضنفری)، «علامه طباطبایی و معیارهای فهم و نقد احادیث اسباب نزول» (نفیسی) و...؛ اما هیچ‌کدام به‌طور مجزا و مشخص، مراحل تحلیلی را که برای تشخیص سبب نزول یک آیه و حل تعارض‌های موجود در آن لازم است، بیان نکرده‌اند. تعیین و تبیین این مراحل، عنوان «روش‌شناسی» به خود می‌گیرد.

مباحث روش‌شناسی که به «چگونگی» انجام فعالیت‌ها می‌پردازد، سبب شفاف‌سازی فرآیند انجام کار و دقیق‌سازی آن، برای احتراز از خطاها و نواقص احتمالی می‌شود و می‌توان بر اساس یک الگوی روشی، با ضریب اطمینان بیشتری به جامعیت و مانعیت و اثربخش بودن هر فعالیتی دست یافت. بر این اساس، مسأله اصلی در این بحث، دستیابی به چگونگی فرآیند قدم‌به‌قدم کشف و اعتبارسنجی سبب نزول آیات قرآن و راه حل تعارض بین اسباب نزول است.

در اینجا ابتدا فشرده‌ای از مباحث کلیدی «اسباب النزول» ارائه خواهد شد که برای تعیین مراحل و تبیین علت ضرورت هر مرحله و قیود و شرایط آن لازم است، سپس در دو قسمت، الگوی روشی قدم‌به‌قدم ارائه خواهد شد: ۱- الگوی روشی کشف و اعتبارسنجی اسباب نزول، ۲- الگوی روشی حل تعارض در اسباب نزول؛ و روشن خواهد شد که کشف و اعتباریابی اسباب نزول، دارای حداقل بیست مرحله اصلی دارای ترتیب است.



تعریف و کاربرد اسباب النزول

علم «اسباب النزول» عبارت است از یافته‌های تحقیقی در مورد اشخاص، شرایط و علتی که سبب بروز موقعیتی شده است که خداوند درباره آن آیه‌ای را نازل کرده است (سیوطی، الاتقان، ۱/۱۰۰؛ غازی عنایه، ۱۴؛ معرفت، ۱/۲۴۱). به‌طور تقریبی ۴۶۰ واقعه در تاریخ صدر اسلام زمینه وحی آیاتی از قرآن بوده است (خرمشاهی، ۱۹۲) و ۱۳ آیه نیز به‌صراحت با عبارت «یستلونک» وارد شده است؛ مانند: ﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ (بقره/۱۸۹).

صاحب‌نظران علوم قرآنی برای شناخت اسباب نزول، فوایدی را برشمرده‌اند^۱ (سیوطی، الاتقان، ۱/۱۲۲) که دو مورد اصلی آن عبارت‌اند از:

۱- رفع ابهام از ظهور اولیه آیه در مواردی که احتمالات مختلف در معنا داده می‌شود. مثلاً از واجبات اعمال حج و عمره، سعی بین صفا و مروه است، ولی خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْأَيْبَتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا﴾ (بقره/۱۵۸) که بیان می‌کند: «کوه صفا و مروه در کنار مسجدالحرام، از نمادهای مورد توجه خداوند هستند، پس هر کس برای حج یا عمره می‌آید، به شرایط موجود در آنجا توجه نکند و میان این دو کوه، سعی انجام دهد». تعبیر «لا جناح علیه» ظاهر در حرام نبودن آن است، نه واجب بودن.

چرا با اینکه سعی واجب است، این تعبیر به کار رفته است؟ از امام صادق ع سؤال شد، ایشان فرمودند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در «عمرة القضاء» با مشرکان شرط کرده بودند که هنگام به‌جای آوردن مناسک عمره توسط مسلمانان، بت‌هایی را که در صفا و مروه گذاشته شده بود بردارند. یکی از مسلمانان به‌واسطه گرفتاری‌هایی که داشت، نتوانست در مدتی که برای این شرط گذاشته شده بود، مناسک خود را به‌جای آورد، از این‌رو وقتی برای سعی بین صفا و مروه آمد، بت‌ها را دید که سرجایشان آورده شده‌اند. دوستانش خدمت رسول خدا رفتند و جریان را تعریف کردند که در همان موقعیت، وحی نازل شد و این آیه را آورد» (بحرانی، ۱/۳۶۳).

۲- دستیابی به حکمت تشریع حکم و زمینه‌سازی برای تعمیم و عدم حصر آیه در موردش؛ که در این باره مفسران، فقیهان و اصولیان از تعبیر «العبرة بعموم اللفظ

لا خصوص السبب» یا «مورد مُخَصَّص نیست» استفاده می‌کنند (اراکی، ۳۳۳/۱). سیوطی در *الاتقان* این مثال را آورده است:

«در آیه ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيَجُوبُونَ أَنَّ يَخْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ﴾ (آل عمران/۱۸۸) که بیان می‌کند: «کسانی که به خاطر آنچه از جای دیگری به آنها داده شده است، خود را برتر می‌بینند و دوست دارند امتیاز کارهایی را که آنها نکرده‌اند، به آنها نسبت داده شود، قطعاً و بدون تردید در لبه پرتگاه آتش قرار دارند»، فهم اولیه از آن سبب شد تا مروان حکم بگوید: اگر معنای آیه همین باشد، قطعاً همه ما اهل آتش خواهیم بود! ابن عباس در تصحیح فهم او از آیه گفت: این آیه در مورد اهل کتاب نازل شده است وقتی که پیامبر سؤالی از آنها پرسید و آنها پاسخ واقعی را نگفتند و دروغی را تحویل دادند تا اطمینان پیامبر را جلب کرده باشند.» (سیوطی، *الاتقان*، ۱/۱۲۱)

بخش اول: چگونگی کشف سبب نزول یک آیه (اعم از شأن نزول، شرایط زمان و مکان، مخاطب و...) و اعتبارسنجی آن

جنس تحقیق از اسباب نزول، جنس تحقیق تاریخی است. تحقیق تاریخی عبارت است از تلاش روشمند برای توصیف و تبیین رویدادهای گذشته، با هدف دستیابی به قرینه‌ای برای درک موضوعی در حال یا آینده (واسطی، سایت مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام: isin.ir). بنابراین شرایط احراز صحت یک نقل تاریخی در آن باید ملاحظه شود؛ یعنی احراز مستقیم بودن نقل از رویداد (مشاهده مستقیم بوده است)، احراز عدم تصرف در نقل از رویداد (دریافت و برداشت نباشد، بلکه عین رویداد نقل شده باشد)، تلاش برای جمع کلیه جوانب رویداد با پیگیری نقل‌های مختلف و حوادث احتمالاً مرتبط ماقبل و مابعد. واحدی از پیشکسوتان علم اسباب نزول چنین آورده است:

«ارائه سبب نزول یک آیه جز با شنیدن مستقیم یا با واسطه ثقه، از کسانی که شاهد جریان بودند و متوجه موقعیت و علت نزول آیه بودند، اعتبار ندارد.»

(واحدی، ۸)



سیوطی از قول برخی دانشمندان چنین آورده است:

«معرفة سبب النزول أمر يحصل للصحابة بقرائن تحتم بالقضايا، و ربما لم يجزم بعضهم، فقال: أحسب هذه الآية نزلت في كذا.» (سیوطی، الاتقان، ۱/۱۲۶)

«تشخیص سبب نزول آیات، حتی برای صحابه، جز با جمع‌بندی قراین مربوط به موقعیت نزول آیه حاصل نمی‌شود، لذا می‌بینیم که برخی صحابه درباره شأن نزول یک آیه حکم قطعی نداده و به صرف گمان اکتفا کرده‌اند.»

بدین جهت برای دستیابی به اسباب نزول باید از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شود و در این مطالعه، منابع مربوط با ملاحظه قدمت زمانی مورد توجه قرار گیرند. منابعی که برای کشف اسباب نزول باید مورد بررسی قرار بگیرند، بدین قرار است (زرکشی، ۱/۱۱۶، پاورقی)^۲ (برخی کتب دیگر هستند که اسم اسباب نزول دارند، ولی فقط به کلیات آن - و نه مصادیق آیات - پرداخته‌اند):

«اسباب النزول»، واحدی (۴۲۷ق)، «التبیان فی نزول القرآن» ابن تیمیه (۷۲۸ق)، «اسباب النزول» حافظ ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق)، «الباب النقول فی اسباب النزول» سیوطی (۹۱۱ق)، «نمونه بینات در شأن نزول آیات»، محمدباقر محقق (۱۴۰۳ق)، «اسباب النزول القرآنی» غازی عنایه (۱۴۰۷ق)، «الصحيح المسند من اسباب النزول» مقبل بن هادی وادعی، «تسهيل الوصول الى معرفة اسباب النزول» خالد عبدالرحمن العک.^۳

برای دستیابی به اسباب النزول، بررسی تفاسیری که بیشتر به این امر پرداخته‌اند نیز ضروری است؛ مانند تفسیر طبری، مجمع البیان، تبیان، برهان، عیاشی، قمی، المیزان. در مقاله «بررسی آماری اسباب نزول» که به بررسی میزان گزارش و تحلیل اسباب نزول در برخی تفاسیر پرداخته، چنین آمده است:

«تفسیر فی ظلال القرآن ۱۰۳ مورد سبب نزول ذکر کرده است که ۱۳ مورد آن تحلیلی است. (مقصود از تحلیلی این است که علاوه بر گزارش تاریخی یا روایی، به نقد و بررسی آن نیز پرداخته شده است)، تفسیر فخر رازی ۱۶۶ مورد (۱۴ تحلیل)، المنار ۱۷۷ مورد (۸۵ تحلیل)، نمونه ۲۵۹ مورد (۳۵ تحلیل)، تفسیر طبری ۲۶۲ مورد (۱۷ تحلیل)، المیزان ۲۷۳ مورد (۱۱۴ تحلیل)، تفسیر ابن کثیر

۲۷۴ مورد (۱۱ تحلیل)، کشف ۲۸۳ مورد (۱ تحلیل)، الفرقان ۲۸۸ مورد (۳۹ تحلیل)، تفسیر ابوالفتوح رازی ۳۲۳ مورد (۱۲ تحلیل)، روح المعانی ۶۷۳ مورد (۱۰۴ تحلیل).»

در نتیجه‌گیری نهایی در این مقاله آمده است:

«۱- این تفاسیر در نقل روایات اسباب نزول نیم نگاهی به یکدیگر داشته‌اند و کمتر به منابع اصلی تاریخی روایی مراجعه کرده‌اند. ۲- اسباب نزول معروف در حدود ۲۵۰ مورد است. ۳- تفسیر روح المعانی بیشترین گزارش و تفسیر المنار بیشترین تحلیل را داراست.» (حسینی، ۲۴۶-۲۴۵)

پس از شناسایی منابع اسباب النزول و یافتن سبب نزولی که در یک آیه به دنبال آن هستیم، باید تمام عملیاتی که در استنباط از یک روایت انجام می‌شود، در منقولات در اسباب النزول نیز انجام شود تا احراز شود که قرینه بر فهم مقصود از کلام الهی است؛ به‌ویژه که حجم زیادی از گزارش‌های اسباب نزول توسط اهل سنت نقل شده است و در سند نقل آنها نیز افرادی مانند عکرمه، مقاتل بن سلیمان، قتاده، ضحاک، حسن بصری و عطاء وجود دارند که از تابعین بوده و حضوری در زمان وحی نداشته‌اند و در نقل نیز حتی در میان اهل سنت، وثاقت ندارند (بلاغی نجفی، ۴۵).^۴

علامه طباطبایی در مورد روایات اسباب نزول دیدگاهی دارند که خلاصه آن چنین است:

«اکثر این روایات که به‌عنوان سبب نزول آمده است، در حقیقت استنباط راوی از نسبت میان آیه و حادثه مورد نظر بوده است. شاهد بر این مطلب اینکه در ذیل برخی آیات، شأن نزول‌های مختلف و گاه متعارضی ذکر شده است و حتی گاهی این موارد متخالف از یک نفر (مثلاً ابن عباس) نقل شده است.» (طباطبایی، ۱۱۰/۷)



ابزارهای اعتبارسنجی اسباب نزول

طبق قواعد روش تحقیق در نقلیات و مطالب تاریخ و توضیحات برخی دانشمندان علوم قرآنی و برخی مفسرین، می‌توان ابزارهای اعتبارسنجی مطالب نقل شده به‌عنوان سبب نزول را چنین دانست.

۱. بررسی سندی نقل صورت گرفته

از آنجایی که اسباب نزول هویت نقلی دارند و منقولات نیازمند اعتبارسنجی سندی هستند، از این‌رو از نخستین ابزارهای لازم برای حل تعارض‌ها، اطمینان از اعتبار نقل است و روشن است که نقل دارای سند قوی‌تر در اولویت قرار می‌گیرد. از آنجایی که صرف بررسی سندی کفایت نمی‌کند، بدین جهت از کلمه «اولویت» استفاده شده است.

علامه طباطبایی در برخی موارد سبب نزول که دارای چند سند نیز هست، حکم به غیر قابل پذیرش بودن آن نقل داده‌اند و علت عدم پذیرش را عدم تناسب آشکار نقل ارائه شده با سیاق آیه بیان کرده‌اند (همان، ۱۵۵/۶). ایشان در بررسی نقلی که در آیه ۲۱۹ سوره بقره وارد شده است، می‌گویند:

«رواه فی الدر المنثور، عن ابن المنذر عن ابن حیان، و قد استضعفوا الروایة.»

(همان، ۱۶۳/۲)

۲. بررسی هم‌زمانی واقعه ذکر شده با نزول آیه یا نزدیک به نزول آیه

بنابراین داستان امت‌های گذشته سبب نزول اصطلاحی نیست؛ مثلاً جریان سپاه ابرهه سبب نزول سوره فیل نیست.

۳. توجه به روش تعبیر ناقل

تعبیری که در فضای اسباب نزول آیات زیاد به‌کار می‌رود، «نُزِلَتِ الْآیَةُ فِي» است که دو وجهی است؛ یعنی هم می‌تواند در سبب نزول باشد، و هم می‌تواند در بیان مصداقی که آیه در مورد آن سخن می‌گوید باشد. زرکشی چنین می‌گوید:

«قد عرف من عادة الصحابة و التابعین أن أحدهم إذا قال: «نزلت هذه الآية في»

کذا» فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ هَذِهِ الْآيَةُ تَتَضَمَّنُ هَذَا الْحُكْمَ؛ لَا أَنَّ هَذَا كَانَ السَّبَبَ فِي نَزُولِهَا. (زرکشی، ۱۲۶/۱)

«شیوه رایج صحابه و تابعین این بوده است که وقتی از عبارت «این آیه در این باره نازل شده است» استفاده می‌کردند، منظورشان این بوده است که آیه مربوطه حاوی مطلبی درباره مصداق مورد نظر است، نه اینکه علت نزول آیه، آن مصداق بوده است.»

مثلاً در آیه شریفه ﴿وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا﴾ (فرقان/۵۵) در تفسیر چنین آمده است: «نزلت الآية في ابي جهل فصار عاماً في الكفار» (میبدی، ۵۲/۷)، و تعبیری مانند «سبب نزولها، سبب نزول الآية، شأن نزولها، حدث كذا فنزلت الآية» تصریح به پرداختن به سبب نزول است.

نویسنده مقاله «علامه طباطبایی و معیارهای فهم و نقد احادیث اسباب نزول»، به نقل از عمادالدین محمد رشید، در کتاب «اسباب النزول و اثرها فی بیان النصوص» آورده است:

«رشید، تمام کتاب لباب المنقول فی اسباب النزول تألیف سیوطی را جست‌وجو کرده و یافته است که ۸۰٪ موارد ذکر شده با این تعبیر به کار رفته‌اند.» (نقیسی، ۷۳)

نکته: این مقاله نمونه مناسبی برای تمرین تحلیل اسباب نزول است.

۴. بررسی عدم مخالفت با قطعیات عقلی، تجربی، عرفی و محکمت و پیش‌فرض‌های دینی مثلاً در سبب نزول سوره عبس دو واقعه نقل شده است که یکی از آنها، عمل «ترش‌رویی نسبت به فقیر» و توبیخ الهی را به پیامبر نسبت داده است، و دیگری این عمل را به یکی از اشراف مکه منتسب کرده است (طباطبایی، ۲۰۳/۲۰) که با عرضه این دو به محکمت قرآنی، مانند ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/۴)، ﴿اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/۲۱۵)، و عرضه بر محکمت اخلاق پیامبر اکرم ﷺ، می‌توان تعارض را با ترجیح مورد منطبق با محکمت از میان برداشت.



۵. بررسی انطباق با قراین تاریخی

مثلاً درباره آیه شریفه ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۴) دو سبب نزول ذکر شده است: ۱- در مورد مسیحیان نجران است. ۲- در مورد نامه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هرقل روم است (همان، ۲۶۶/۳). علامه طباطبایی در قضاوت میان این دو، از قرینه تاریخی زیر استفاده کرده‌اند که:

«نامه پیامبر به سلاطین جهان در سال ششم هجرت انجام شد و ملاقات مسیحیان نجران در مدینه در سال دهم هجرت اتفاق افتاد و از سیاق آیات قبل می‌توان فهمید که متناسب با وقایع قبل از سال ششم هجرت هستند، بنابراین بعید است که سبب نزول آیه مربوط به مسیحیان نجران باشد.» (همان، ۲۶۸)

ایشان در تحلیل روایتی که در ذیل آیه ۴۳ سوره اعراف آمده است که این آیه مربوط به جنگ بدر است، چنین می‌گویند:

«وقوع الجملة فی سیاق هذه الآيات و هی مکية یأبى نزولها یوم بدر أو فی اهل بدر.» (همان، ۱۳۹/۸)

۶. بررسی سیاق آیه در فضای آیات قبل و بعد

مثلاً علامه طباطبایی درباره آیه شریفه ﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي﴾ (مجادله/۲۱) چنین آورده‌اند:

«در تفسیر مجمع البیان چنین آمده که مسلمانان وقتی آزادسازی برخی مناطق را برای اسلام دیدند، گفتند که خداوند دو تمدن بزرگ روم و فارس را هم آزاد خواهد کرد. منافقین در جواب این مطلب گفتند: شما فکر کرده‌اید که روم و فارس مثل این چند منطقه کوچک هستند که بتوانید بر آنها مسلط شوید؟! خداوند در پاسخ منافقین، این آیه را وحی فرمود. اما به نظر می‌رسد که این جریان مربوط به سبب نزول آیه نباشد، بلکه مسلمانان در پاسخ به منافقین از این آیه استفاده کرده‌اند.» (همان، ۱۹۸/۱۹)

علت این تحلیل علامه را می‌توان یکپارچگی سیاق آیات در این سوره دانست؛ یعنی این‌طور نیست که وسط مجموعه‌ای از آیات مرتبط با هم، آیه‌ای با سبب نزولی جدا از فضای قبل و بعد آمده باشد. علامه طباطبایی این‌گونه موارد را با اصطلاح «تطبیق» می‌شناساند (همان، ۱۱۱/۷).

نتیجه روشی شماره یک: «فرآیند قدم‌به‌قدم کشف سبب نزول یک آیه و اعتبارسنجی آن»:

براساس مبانی فوق و پس از آشنایی با منابع اسباب نزول و ابزارهای اعتبارسنجی آنها، می‌توان فرآیند اجرایی دستیابی به سبب نزول صحیح در یک آیه را چنین توصیف کرد (مراحل دارای ترتب هستند و باید به دنبال هم اجرا شوند):

۱- برای دستیابی به سبب نزول در آیه مورد نظر، به این کتاب‌ها به ترتیب مراجعه کن (ترتیب تاریخی است): «اسباب النزول واحدی، التبیان فی نزول القرآن، اسباب النزول عسقلانی، لباب المنقول فی اسباب النزول، نمونه بینات در شأن نزول آیات، اسباب النزول غازی عنایه، الصحیح المسند من اسباب النزول، تسهیل الوصول الی معرفة اسباب النزول».

۲- همچنین آیه مورد نظر را در کتب تاریخی مربوط به تاریخ صدر اول اسلام، مانند *الکامل فی التاریخ* ابن اثیر، تاریخ ابن عساکر، تاریخ طبری، *فضائل الصحابه* ابن نعیم و *نرم‌افزار نورالسیره* جست‌وجو و نقل‌های ذکر شده را ثبت کن.

۳- سپس در منابع مورد مراجعه به دنبال سند این نقل بگرد و سند آن را ثبت کن (و اگر از منبع دیگری نقل کرده است، به آن منبع مراجعه و سند را ثبت کن).

۴- پس از آن، سند را اعتبارسنجی اولیه کن (با استفاده از روش‌های اعتبارسنجی سندی در علم رجال شیعه و عامه).

۵- آن‌گاه با بررسی اولیه محتوای سبب نزول ذکر شده، از هم‌زمانی واقعه با نزول آیه اطمینان حاصل کن (مربوط به امم گذشته نباشد، مربوط به بعد از نزول آیه نباشد، مربوط به مدت‌ها قبل از نزول آیه نباشد).



۶- سپس طرز تعبیر راوی نسبت به سبب نزول را بررسی کن (مربوط به تطبیق آیه بر یک مصداق نباشد).

۷- محتوای مطلب نقل شده را با قطعیات عقلی، تجربی، عرف قطعی و مشهودِ زمان نزول (مثلاً اخلاق پیامبر)، و محکّمات فضای دینی (مانند عصمت پیامبر) بسنج (در هر جمله از محتوای مطلب، این سؤال را مطرح کن: آیا مفهوم این جمله مخالفت قطعی با عقل، تجربه قطعی، عرف و محکّمات دینی دارد یا نه؟).

۸- مطلب نقل شده را با قراین تاریخی مرتبط با آن، طبق مراحل زیر مقایسه کن:

- با مراجعه به منابعی که مکی یا مدنی بودن سوره‌ها را ارائه کرده‌اند (مانند کتاب تقسیمات قرآن و سور مکی و مدنی)،^۵ فضای آیه را به دست بیاور.

- با مراجعه به منابعی که ترتیب نزول سوره‌ها را بیان کرده‌اند (مانند کتاب تاریخ نزول القرآن)، تاریخ مطلب نقل شده در سبب نزول را به دست بیاور.

- بررسی کن آیا اسامی ذکر شده در سبب نزول (اعم از اشخاص، اماکن، وقایع اصلی) با تاریخ حدودی سبب نزول مطابق هستند؟ (با مراجعه به کتب رجالی برای شناخت اشخاص ذکر شده در آن واقعه).

۹- حداقل یک پاراگراف قبل و بعد از آیه مورد نظر را از نظر معنایی و وابستگی آیه مورد نظر به آنها بررسی کن (تشخیص سیاق) و تناسب مطلب ذکر شده در سبب نزول را با این سیاق بسنج.

۱۰- اگر در مراحل قبل نقاط ابهامی وجود داشت، تناسب معنایی قوی در آیات مرتبط را اصل قرار بده و بقیه قراین را با آن اعتبارسنجی کن (حتی سند).

۱۱- اگر در تمام مراحل فوق اعتبار و تناسب وجود داشت، حکم به صحت «سبب نزول» کن.

۱۲- اگر تناسب معنایی قابل قبولی وجود نداشت و بقیه قراین نیز تراکم لازم را نداشتند، سبب نزول ذکر شده را رد کن (حتی اگر سند قوی دارد).

۱۳- برای اطمینان از دستیابی به کلیه قراین، به تفسیرهای حاوی اسباب نزول آیات مراجعه کن (مانند الدرالمثور، المیزان، البرهان) و روایات ذکر شده در سبب

نزول را با یافته‌های فوق مقایسه کن و نتیجه اصلاحی یا تکمیلی یا تأییدی یا انتقادی بگیر (نقد به مطلب ذکر شده در تفسیر).

۱۴- برای اطمینان از دستیابی به کلیه قراین، به مجامع روایی مراجعه کن (مانند جامع احادیث الشیعه و نرم‌افزار جامع الاحادیث) و روایات مرتبط با آیه مورد نظر را استخراج کرده، تحلیل کن و کلیه مؤلفه‌هایی را که در بحث سبب نزول آیه مورد نظر به دست آورده‌ای، با محتوای روایات مقایسه کن و نتیجه اصلاحی یا تکمیلی یا تأییدی یا انتقادی بگیر (نقد سندی یا مضمونی روایت).

۱۵- برای دستیابی به قراین احتمالی بیشتر، به نرم‌افزار «جامع فقه اهل بیت» مراجعه کن و عبارت آیه را در آن جست‌وجو کن و نتایج استفاده‌ها و تحلیل‌هایی را که فقها از این آیه کرده‌اند، مرور کن و قراین احتمالی را استخراج و بر اساس آنها، نتایج قبلی را بازنگری کن.

نمونه عملی فرآیند فوق (کشف و اعتبارسنجی سبب نزول آیه اول سوره ممتحنه)
در سوره ممتحنه آیه یک، چنین آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾
طبق مراحل پانزده‌گانه بالا، برای کشف و اعتبارسنجی سبب نزول این آیه حرکت می‌کنیم.

مرحله یک: مراجعه به کتب اسباب نزول

به اسباب النزول واحدی، لباب النقول سیوطی، اسباب النزول غازی عنایه، تسهیل الوصول الی معرفة اسباب النزول خالد العک مراجعه شد، همگی یک سبب نزول مشابه با آنچه واحدی نقل کرده است، نقل کرده بودند که عبارت آن چنین است:

«قال جماعة المفسرين: نزلت في حاطب ابن أبي بلتعة، وذلك أن سارة مولاة أبي عمر بن صهيب بن هشام بن عبد مناف أتت رسول الله صلى الله عليه وسلم من مكة إلى المدينة، ورسول الله صلى الله عليه وسلم يتجهز لفتح مكة، فقال



لها: «أ مسلمة جئت»، قالت: لا. قال: «فما جاء بك؟»، قالت: أنتم الأهل والعشيرة والموالي، وقد احتجت حاجة شديدة، فقدمت عليكم لتعطوني و تكسوني. قال لها: «فأين أنت من شباب أهل مكة؟»- و كانت مغنية- قالت: ما طلب مني شيء بعد وقعة بدر. فحث رسول الله صلى الله عليه و سلم بنى عبد المطلب و بنى المطلب فكسوها و حملوها و أعطوها، فأتاها حاطب ابن أبي بلتعة، و كتب معها إلى أهل مكة، و أعطها عشرة دنانير، على أن توصل إلى أهل مكة، و كتب في الكتاب: من حاطب إلى أهل مكة، إن رسول الله صلى الله عليه و سلم يريدكم، فخذوا حذرکم. فخرجت سارة، و نزل جبريل عليه السلام فأخبر النبي صلى الله عليه و سلم بما فعل حاطب..... فأرسل رسول الله صلى الله عليه و سلم إلى حاطب فأتاه، فقال له: «هل تعرف الكتاب؟»، قال: نعم. قال: «فما حملك على ما صنعت؟»، فقال: يا رسول الله، و الله ما كفرت منذ أسلمت، و لا غششتك منذ نصحتك، و لا أحببتهم منذ فارقتهم، و لكن لم يكن أحد من المهاجرين إلا و له بمكة من يمنع عشيرته، و كنت غريبا فيهم، و كان أهلي بين ظهرانيتهم، فخشيت على أهلي، فأردت أن أتخذ عندهم يدا، و قد علمت أن الله ينزل بهم بأسه، و كتابي لا يغني عنهم شيئا. فصدقه رسول الله صلى الله عليه و سلم و عذره، فنزلت هذه الآية: يا أيها الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَ وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ. فقام عمر بن الخطاب فقال: دعني يا رسول الله أضرب عنق هذا المنافق. فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «و ما يدريك يا عمر، لعل الله قد اطلع على أهل بدر فقال لهم: اعملوا ما شئتم، قد غفرت لكم.» (العك، ۳۵۲)

مرحله دو: جست‌وجو در منابع تاریخی

در نرم‌افزار «نورالسيره» عبارت آیه جست‌وجو و نتایج ارائه شده در «اسد الغابه»، «انساب الاشراف»، «تاریخ طبری»، «البدایة و النهایة» و «دلائل النبوه» بررسی شد و مطلبی اضافه بر مطلب فوق یافت نشد.

مرحله سه و چهار: یافتن سند و تحلیل سند

در اسباب النزول واحدی دو استناد وجود دارد: «۱- جماعة من المفسرين، ۲- عن الشافعی: اخبرنا سفیان بن عیینة الى آخره...».

برای اعتبارسنجی عبارت «جماعة من المفسرين»، به مفسرین مراجعه می‌کنیم: در تفسیر مقاتل بن سلیمان در قرن دوم این مطلب نقل شده است (مقاتل، ۲۹۹/۴)؛ همچنین در تفسیر قمی از علی بن ابراهیم، در قرن سوم که یک قرن قبل از واحدی است، همین مطلب نقل شده است (قمی، ۳۶۱/۲).

برای اعتبارسنجی اصل وجود سند نقل شده، به صحیح بخاری مراجعه می‌کنیم، می‌یابیم که او نیز همین جریان را با این سند نقل کرده و سند آن را صحیح دانسته است (بخاری، ۴۰۰/۷).

مرحله پنج: هم‌زمانی نزول آیه با واقعه ذکر شده

با توجه به متن وارد شده در سبب نزول، هم‌زمانی واقعه با نزول آیه احراز می‌گردد.

مرحله شش: طرز تعبیر راوی

تعبیر راوی، «نزلت الآية فی» است که می‌تواند به معنای سبب نزول یا صرفاً مصداقی برای آیه باشد که با مراجعه به متن ذکر شده برای سبب نزول، احراز می‌شود که این آیه قبلاً نازل نشده بوده تا اکنون مصداقی برای آن تعیین شود.

مرحله هفت: مقایسه با قراین قطعی عقلی، تجربی، عرفی، دینی

مؤلفه‌ای مخالف با قطعیات عقل و عرف زمان پیامبر یافت نشد. اما در مطلبی که نسبت به اهل بدر ذکر شده که مجازات اعمال از آنها برداشته شده است، مخالفت با آیات و روایات دیگر دیده می‌شود. علامه طباطبایی در این مورد چنین بیان داشته است:

«این سبب نزول از نظر متن خالی از اشکال نیست؛ زیرا اولاً از ظاهر آن برمی‌آید که حاطب بن ابی بلتعنه به خاطر عملی که کرده بود، مستحق اعدام و یا کیفری دیگر کمتر از اعدام بوده و تنها به خاطر شرکتش در جنگ بدر مجازات



نشده، چون بدری‌ها در برابر هیچ گناهی مجازات نمی‌شوند، در حالی که روایات وارده در داستان افک معارض آن‌اند و حکم به معاف بودن فرد از مجازات با قطعیات فقه سازگار نیست.» (طباطبایی، ۲۳۶/۱۹)

مرحله هشت: مقایسه با قراین تاریخی

ابتدا احوال حاطب بن ابی بلتعہ در کتب رجالی شیعه (با استفاده از نرم‌افزار «رجال شیعه») و عامه (با استفاده از نرم‌افزار «المکتبة الشاملة») جست‌وجو و احراز شد که از مجاهدان جنگ بدر بوده است. سپس با جست‌وجوی کلمات کلیدی از متن سبب نزول، در کتب حدیثی (با استفاده از نرم‌افزار جامع احادیث فریقین) و تاریخی (با استفاده از نرم‌افزار نورالسیره)، همین متن و موقعیتی که واحدی نقل کرده است، به دست آمد (ابن اثیر، ۴۳۲/۱).

مرحله نه: بررسی سیاق آیات قبل و بعد

آیات بعد از این آیه در سوره ممتحنه بررسی شدند و با متن سبب نزول منطبق بودند، به‌ویژه آیه سه که متناسب با علتی است که حاطب بن ابی بلتعہ برای کار غلط خود ذکر کرده بود.

مرحله ده:

در این آیه موضوعیت ندارند.

مرحله یازده: نتیجه

سبب نزول ذکر شده دارای اعتبار است.

مرحله دوازده:

در این آیه موضوعیت ندارد.

مرحله سیزده و چهارده و پانزده: اعتباریابی نتیجه

به کتب تفسیر و روایی و فقهی معرفی شده مراجعه شد، سبب نزول دیگری یا تعبیر دیگری از همین سبب نزول ذکر نشده بود.

بخش دوم: چگونگی حل تعارض میان اسباب النزول متعدد برای یک آیه

در اختلاف میان نقل‌هایی که از سبب نزول برای یک آیه وجود دارد، چه باید کرد؟ مثلاً در آیه شریفه ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۱۵) چهار سبب نزول آمده است: مربوط به تغییر قبله مسلمین، مربوط به نماز نافله بر روی مرکب، مربوط به جهت قبله در تاریکی، مربوط به آیه ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر/۶۰) (سیوطی، لباب النقول، ۲۲).

در کتاب «اسباب نزول» محمدباقر حجتی و مقاله «راهکارهای حل تعارض در اسباب نزول آیات»، نویسندگان نمونه آیاتی را که در کتب تفسیری، سبب نزول‌های متفاوتی راجع به آنها وارد شده است، به تفصیل طرح کرده‌اند. برای رفع تعارض‌ها، استفاده از شش ابزاری که برای اعتبارسنجی در اصل سبب نزول ذکر شدند، حجم زیادی از تعارض‌ها را مرتفع خواهد کرد. برخی دانشمندان علوم قرآنی، دو ابزار دیگر نیز برای رفع تعارض‌ها ارائه کرده‌اند.

۱. امکان تعدد اسباب یا تداخل اسباب

در برخی موارد، چند سبب برای یک آیه آمده است که به نظر می‌رسد همه آنها درست هستند و تعارضی با یکدیگر هم ندارند. در این موارد می‌توان احتمال داد که تمام آنها واقع شده‌اند و آیه بعد از آنها نازل شده است؛ مانند آیه شریفه ﴿أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (بقره/۱۰۸) که در سبب نزول آن، چهار مورد آمده است: ۱- وهب بن زید از رسول خدا خواست که کتابی از آسمان نازل کند؛ ۲- عده‌ای از مشرکین از رسول خدا خواستند که فرشتگان را نمایان کند؛ ۳- عده‌ای درخواست کردند که خدا را به آنها نشان بدهد؛ ۴- قریش درخواست کردند که کوه صفا را به طلا بدل کند (طوسی، ۴۰۲/۱).

۲. امکان نزول مکرر آیه در چند واقعه

برخی دانشمندان علوم قرآنی برای رفع تعارض میان سبب‌های نزول مختلفی که برای یک آیه ذکر شده است، گفته‌اند شاید این آیه چند بار نازل شده است، اما



این امکان مردود است؛ چرا که اگر عین وحی باشد، باید این تکرار ثبت شود؛ مانند تکرار قسمت‌هایی از آیات مختلف. آنچه در این مورد قابل احتمال دادن است، اینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در واقعه‌ای، از آیه‌ای که قبلاً نازل شده است، استفاده کرده و آن آیه را قرائت فرموده‌اند و برخی گمان کرده‌اند که آیه دوباره به پیامبر خدا وحی شده است؛ مانند آیه شریفه ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ (زمر/۳۶) که در سبب نزول آن دو مورد ذکر شده است: یک مورد در تلاش کفار برای ترور پیامبر، و دیگری در ترساندن خالد بن ولید که به امر پیامبر، دستور از بین بردن درختی را که کفار می‌پرستیدند، داشت (انصاری، ۴۱۸/۸).

نتیجه روشی شماره دو: «فرآیند قدم به قدم رفع تعارض میان سبب نزول‌های متعدد» با توجه به ابزارهای شش‌گانه اعتبارسنجی، در صورتی که چند سبب نزول ذکر شده بود، ابتدا مراحل پانزده‌گانه سابق را برای هر یک از آنها انجام می‌دهیم که در اثر این کار، بیشتر تعارض‌ها با حذف موارد غیرمعتبر رفع خواهند شد. اما اگر تمام اسباب نزول ذکر شده از اعتبار اولیه برخوردار شدند و تعارض مستقر شد، با تخصیص «وزن و ضریب تأثیر» به هر کدام از ابزارها، می‌توان سبب نزول مُرَجَّح را مشخص کرد (تعیین ضریب‌های ذکر شده در جدول زیر براساس مباحث مبنایی است که در قسمت اول مقاله ذکر شدند). بنابراین (دنباله مراحل پانزده‌گانه در قسمت اول)

۱۶- اگر چند سبب نزول برای آیه مورد نظر ذکر شده است، هر کدام را طبق مراحل قبل تحلیل کن و در جدول زیر قرار بده:

ردیف	محتوای سبب نزول	سند (با ضریب ۱)	تعبیر ذکر شده برای نقل مطلب (با ضریب ۱)	میزان ^۶ انطباق با قطعیات عقلی، تجربی، عرفی، دینی (با ضریب ۱)	میزان انطباق با قراین تاریخی (با ضریب ۲)	میزان انطباق با سیاق (با ضریب ۲)

۱۷- اگر تمام یا برخی سبب‌های ذکر شده دارای میزان انطباق مناسبی با مؤلفه‌های اعتبارسنجی هستند، احتمال تداخل اسباب یا تعدد اسباب را با تحلیل مجدد قراین تاریخی بررسی کن و ببین اگر تصویر متناسبی با قراین از واقعه تاریخی حقیقی براساس تعدد یا تداخل اسباب قابل ارائه است، حکم به تداخل یا تعدد اسباب کن (حکم به تداخل اسباب، وقتی سبب‌های ذکر شده مربوط به اجزای مختلف یک واقعه هستند، و حکم به تعدد اسباب، وقتی سبب‌های ذکر شده مربوط به وقایع مجزا از یکدیگر هستند).

۱۸- اگر تداخل و تعددی کشف نشد، در جدول فوق، موردی را که بیشترین میزان انطباق را داشت (تراکم قراین)، به‌عنوان سبب نزول انتخاب کن.

۱۹- به تفسیر روح المعانی، تفسیر المیزان، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، البرهان (بحرانی) و تفسیر قمی که بیشترین نقل سبب نزول و بیشترین تحلیل را دارند، مراجعه کن و یافته خود را با مطالب این مفسرین مقایسه کن و نتیجه اصلاحی یا تکمیلی یا تأییدی یا انتقادی بگیر (نقد مطلب ذکر شده در تفسیر براساس قراین کافی).

۲۰- به مجامع روایی و فقهی مراجعه کن (مانند کافی، جامع احادیث الشیعه، نرم‌افزار جامع الاحادیث و جامع فقه اهل بیت) و آیه مربوطه را در آنها جست‌وجو کن و در روایاتی که به‌دست می‌آید، موضوع روایت، اشخاص روایت، حکم روایت، و هر کلمه احتمالی را که به سبب نزول‌های ذکر شده می‌تواند ارتباط داشته باشد، استخراج کن و یافته اولیه خود را در سبب نزول، با مطالب روایات مقایسه کن و نتیجه اصلاحی یا تکمیلی یا تأییدی یا انتقادی بگیر.

نمونه عملی فرآیند فوق (حل تعارض میان سبب نزول‌هایی که برای سوره تحریم ذکر شده است)

سوره تحریم با این آیه شروع می‌شود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْضَاةَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و در دنباله، جریان آزار و اذیتی را که برخی همسران پیامبر بر ایشان روا داشتند، بیان نموده و آنها را تهدید می‌کند و از



پیامبر ﷺ در برابر آنها دفاع می‌نماید. در سبب نزول این سوره، اختلاف‌های زیادی وجود دارد. آنچه قطعاً از ظاهر آیات مربوطه برمی‌آید، این است که:

- ۱- دو نفر از همسران پیامبر خدا نارضایتی‌ای از رسول خدا پیدا کرده بودند.
- ۲- پیامبر خدا برای جلب رضایت آنها، کار حلالی را بر خود ممنوع کرده بودند.
- ۳- پیامبر خدا سرّی را به یکی از همسرانشان بیان کرده بودند.
- ۴- آن زن این سرّ را به فرد دیگری افشا کرد.
- ۵- پیامبر خدا به واسطه اطلاع الهی از این افشای سرّ، آن زن را توبیخ کردند.
- ۶- خداوند این زنان را مورد توبیخ و تهدید قرار داد.

اما اینکه آن دو زن که بودند، چه نارضایتی داشتند، پیامبر چه کاری را بر خود ممنوع ساخت، چه سرّی را با کدام همسرشان در میان گذاشتند، آن همسر، آن سرّ را برای چه کسی افشا کرد، آیا توبیخ الهی فقط مربوط به افشای سرّ شخصی پیامبر بود، یا امر بزرگ‌تری در کار بوده است و سؤالاتی از این دست، روایات مختلفی وارد شده است.

در این مجال، براساس اطلاعاتی که علامه طباطبایی در تحلیل روایی این آیات ارائه کرده‌اند (طباطبایی، ۱۹/۳۳۷)، به تطبیق روش حل تعارض میان اسباب نزول که در اینجا ارائه شد، می‌پردازیم.

علامه طباطبایی در این آیه، پنج سبب نزول را ذکر کرده‌اند که سه مورد مشهورتر را در جدول تحلیل اسباب نزول وارد می‌کنیم:

ردیف	محتوای سبب نزول	سند (با ضریب ۱)	تعبیر ذکر شده برای نقل مطلب (با ضریب ۱)	میزان انطباق با قطعیات عقلی، تجربی، عرفی، دینی (با ضریب ۱)	میزان انطباق با قراین تاریخی (با ضریب ۲)	میزان انطباق با سیاق (با ضریب ۲)
۱	<p>کانت عائشه و حفصه متحابین فذهبت حفصه إلى بيت أبيها تحدث عنده فأرسل النبي صلى الله عليه وآله إلى جاريته فظلت معه في بيت حفصه وكان اليوم الذي يأتي فيه عائشة فوجدتهما في بيتهما فجعلت تتنظر خروجها وغارت غيرة شديدة فأخرج النبي جاريته و دخلت حفصه فقالت: قد رأيت من كان عندك و الله لقد سواتني، فقال النبي: و الله لأرضينك و إني مسر إليك سرا فاحفظيه، قالت: ما هو؟ قال: إني أشهدك أن سرיתי هذه على حرام رضا لك. فانطلقت حفصه إلى عائشة</p>	<p>في الدر المشور أخرج ابن سعد و ابن مردويه عن ابن عباس</p>	<p>فلما أخبرت بسر النبي أظهر الله النبي عليه فانزل الله: «يا أيها النبي لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ».</p>	<p>ابهامی موجود است که آیا از شأن پیامبر برمی آید که برای جلب رضایت همسر خود، قسم به ترک رابطه با فرد دیگری بخورند؟ (خامه گر، ۱۰۸)</p>	<p>با توجه به رابطه عایشه و حفصه، و طرز رفتار آنها با پیامبر خدا، و طرز رفتار آنها با ماریه کنیز پیامبر، این روایت با قراین تاریخی منطبق است.</p>	<p>ابهام در قسمتی از آیه که فرمود: «عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» باقی می ماند که مگر چه مطلب دیگری در واقع بوده است که برای پیامبر فقط یک قسمت آن بیان شده است. همچنین این ابهام که آیا برای افشای سر شخصی مربوط به امور زناشویی پیامبر، آیا تهدیدهای غلیظ و شدید در آیات بعدی لازم بوده است یا اینکه مطلب افشا شده باید</p>

مهم‌تر از اینها باشد؟ (خامه‌گر، ۱۰۸)					فأسرت إليها أن أبشري أن النبي ص قد حرم عليه فتاته فلما أخبرت بسر النبي أظهر الله النبي عليه فأنزل الله: «يا أيها النبي لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ».		
	همان ابهام دارد؛ زیرا با توجه به اینکه در روایاتی که از عمر درباره همین آیات نقل شده، چنین چیز مهمی ذکر نشده است، همچنین با سیاق «عَرَفَتْ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» سازگار نیست.	همان فجرمها فأنزل الله «يا أيها النبي لِمَ تُحَرِّمُ»	فی الدر المثور، أخرج الطبرانی و ابن مردويه عن ابن عباس	دخلت حفصة على النبي صلى الله عليه وآله في بيتها و هو يظأ مارية، فقال لها رسول الله: لا تخبري عائشة حتى أشرك بشارة فان أباك يلي الأمر بعد أبي بكر إذا أنا مت. فذهبت حفصة فأخبرت عائشة فقال عائشة للنبي: من أنباك هذا؟ قال: نبأني العليم الخبير، فقال عائشة: لا أنظر إليك حتى تحرم مارية فجرمها فأنزل الله «يا أيها النبي لِمَ تُحَرِّمُ».	۲		
همان	مخالفتی با قراین تاریخی ندارد	همان مطلب فوق، به علاوه اینکه آیا رسول خدا به طور معمول متوجه به امر معمولی مانند بوی آن خوردنی نشده است و بعد هم	قال و الله لا أشربه، فأنزل الله: «يا أيها النبي لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ»	فی الدر المثور، أخرج ابن المنذر وابن أبي حاتم و الطبرانی و ابن مردويه بسند صحيح عن	كان رسول الله صلى الله عليه وآله يشرب من شراب عند سودة من العسل فدخل على عائشة فقالت: إنى أجد منك ريحا، فدخل على حفصة فقالت: إنى أجد	۳	

		به خاطر جلب رضایت همسران خود آن غذا را بر خود ممنوع می‌کند؟! (خامه‌گر، ۱۰۵)	ابن عباس	منك ريحا فقال: أراه من شراب شربته عند سودة و الله لا أشربه، فانزل الله: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» الآية.	
--	--	---	----------	--	--

تحلیل

۱- بررسی اسناد: در اسنادی که علامه طباطبایی نقل کرده‌اند (با وجود اسناد بیشتری که در الدرالمشور که منبع نقل علامه است، وجود دارد)، قوت و صحت هر سه به یک اندازه است (گرچه مؤلف مقاله «نقد و بررسی روایات شأن نزول سوره تحریم»، روایت مربوط به جریان غسل را که مرتبط با زینب بنت جحش است، قوی‌تر می‌داند).

۲- بررسی نوع تعبیر از سبب نزول: در هر سه مورد، به‌صراحت، نزول آیه شریفه را به دنبال واقعه مذکور بیان کرده‌اند و اختلاف تعبیری وجود ندارد.

۳- بررسی میزان انطباق با قطعیات عقلی، تجربی، عرفی، دینی: علامه طباطبایی در این موارد نکته‌ای را بیان نکرده‌اند، لکن برخی تحلیل‌گران (خامه‌گر، ۱۱۷) عملکرد نقل شده از پیامبر در تحریم را با شأن پیامبر سازگار نمی‌دانند.

۴- بررسی میزان انطباق با قرائن تاریخی: سبب نزول اول انطباق بیشتری با قرائن تاریخی دارد.

۵- بررسی میزان انطباق با سیاق آیات: در هر سه مورد، ابهام در انطباق با سیاق آیات وارد است.

نتیجه اولیه: سبب نزول شماره یک، سبب نزول آیه شریفه است.

از آنجایی که سبب نزول‌های شماره یک و سه اعتبار تقریباً مساوی داشتند، به مرحله هفده از مراحل اصلی می‌رویم؛ یعنی محتمل است که «تعدد یا تداخل اسباب» وجود داشته باشد، یعنی:



الف) ممکن است که ابتدا جریان غسل در منزل سوده اتفاق افتاده و پیامبر از کنار آن کریمانه عبور کرده باشند و سپس جریان ماریه در منزل حفصه اتفاق افتاده باشد که سبب ناراحتی عمیق پیامبر و نزول آیه شده باشد.

ب) ممکن است که هر دو جریان در اصل یک واقعه بوده است و به علت حذف یا تصحیف در عبارات نقل شده، تبدیل به دو صحنه شده باشند. قرینه‌ای که می‌تواند این امر را تقویت کند، رابطه «لفظ غسل با جریان ماریه» است. عرب برای تمتع مرد از همسرش، عبارت «عسل المرأة» و عبارت کنایی «یذوق عُسیلتها» را به کار می‌برد و این تعبیر در روایات نیز زیاد به کار رفته است (ابن منظور، ۴۴۵/۱۱؛ کلینی، ۴۲۵/۵). از این رو می‌توان تصور کرد که واقعه چنین بوده است:

«پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خانه سوده رفته بودند و با توجه به اینکه سوده زنی بود که از سن معمولش گذشته بود و نوبت‌های خود را نیز به دیگر زنان پیامبر می‌داد، پیامبر اکرم با کنیز خود ماریه در خانه سوده خلوت می‌کنند، و چون قدری طول می‌کشد تا بیرون بیایند (این عبارت در برخی از سبب نزول‌ها ذکر شده است)، حفصه کنجکاو شده و وقتی حضرت خارج می‌شوند، از سوده می‌پرسد چرا پیامبر زمان بیشتری در خانه تو ماندند؟ سوده به کنایه می‌گوید که زنی برای پیامبر غسل آورده بود و حضرت مشغول تناول آن بودند (عبارتی که در نقل‌های دیگر ذکر شده بود). حفصه متوجه اصل جریان شده و به روی پیامبر می‌آورد و پیامبر از او می‌خواهد که این مطلب را به عایشه نگوید ... تا آخر ماجرا.»

نتیجه‌گیری

مفسرین برای دستیابی به معنای جامع و مانع از آیات قرآن کریم، بررسی «سبب نزول» را در دستور کار دارند و با بیان منقولاتی از تاریخ یا روایات و سپس توضیحی در تحلیل آنها، پرونده بحث را بسته و از نتایج آن در استخراج معانی موجود در آیات استفاده می‌کنند؛ اما مانند دیگر عملکردهای علمی تحلیلی، روش آن را بیان نمی‌کنند و خواننده فقط ناظر نتایجی است که فرآیندهای آن در ناخودآگاه مؤلف در جریان است. تلاش برای کشف این فرآیندها و دقیق‌سازی

آنها، سبب کاهش احتمال خطا و افزایش احتمال کشف واقعیت با ابعاد مختلف آن و سرعت در کار می‌شود.

در این مقاله، بیست فرآیند برای کشف، اعتبارسنجی و حل تعارض‌ها در اسباب نزول ارائه گردید و با ذکر مبانی مباحث اسباب نزول، تلاش شد تا این مراحل مدلل گردد و با تطبیق آن بر دو نمونه در دو مرحله، کارایی آن در عمل نیز مشهود گردد.

هر صاحب‌نظری در این فضا، هنگام کار بر اسباب نزول در آیات، ناگزیر مراحل را طی می‌کند، از منابعی استفاده می‌کند، قرآینی را جمع‌آوری کرده، برآیندگیری می‌کند و با کشف ابعاد و روابطی، تعارض‌ها را حل و فصل می‌کند. این نوشته به عنوان یک پیش‌نویس می‌تواند توجه متخصصین را به عملکردهای ناخودآگاه خود جلب کند تا به واسطه دقت‌ها و خبرویتی که دارند، این مراحل اصلاح و تکمیل گردد و جزئیات بیشتری از آن آشکارسازی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- سیوطی در الاتقان، فهرست مفصلی از این موارد را ارائه کرده است: «منها: معرفة وجه الحكمة الباعثة على تشريع الحكم؛ منها: تخصيص الحكم به عند من يرى أن العبرة بخصوص السبب؛ منها: أن اللفظ قد يكون عامًا، و يقوم الدليل على تخصيصه؛ منها: الوقوف على المعنى و إزالة الإشكال، قال الواحدی: لا يمكن تفسير الآية دون الوقوف على قصتها و بیان نزولها، و قال ابن دقیق العید: بیان سبب النزول طریق قوی فی فهم معانی القرآن؛ منها: معرفة اسم النازل فيه الآية و تعیین المبهم فيها.» (الاتقان فی علوم القرآن، ۱/۱۲۲)

۲- در مقاله «نقد و بررسی کتاب‌های اسباب نزول» (سجادی و بهرامی)، توضیحات انتقادی از برخی کتب اسباب نزول ارائه شده است. مؤلفین، کتاب «الباب النقول» سیوطی را بهتر از «اسباب النزول» واحدی می‌دانند.

۳- این کتاب جامع بین گزارش‌های طبری، نیشابوری، ابن جوزی، قرطبی، ابن کثیر و سیوطی است.

۴- برای بررسی برخی نمونه‌ها، به مقاله «تطابق تفسیری اسباب نزول و آیه، روشی برای نقد اسباب نزول» مراجعه شود. همچنین به مقاله «تقابل سیاق و اسباب نزول در آیه احصار»، همچنین مقاله «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول».

۵- این کتاب با استفاده از منابع زیر، جدولی تطبیقی در مکی و مدنی بودن سوره‌ها ارائه کرده است: ۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۲- المیزان فی تفسیر القرآن، ۳- البرهان فی علوم القرآن، ۴- الاتقان فی علوم القرآن، ۵- التمهید فی علوم القرآن.

۶- برای دقیق‌سازی این «میزان‌ها»، باید عناصر موجود در متن، تجزیه به علل فاعلی، علل غایی، علل مادی و علل صوری و مقولات عشر شوند و روابط آنها با یکدیگر در نظر گرفته شود و هرچه تعداد موارد منطبق با قاعده مورد نظر بیشتر باشد، «میزان» بالاتری را احراز خواهد کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، علی بن محمد؛ اسدالغابة فی معرفة الصحابة، قاهره، چاپ افست بیروت، بی تا.
۲. اراکی، محمدعلی؛ اصول الفقه، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۵ش.
۳. انصاری میبدی، خواجه عبدالله؛ تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۴. ایروانی نجفی، مرتضی؛ شاه‌پسند، الهه؛ «تقابل سیاق و اسباب نزول در آیه احصار»، کتاب قیم، سال اول، شماره ۴، ۱۳۹۰، ۵۲-۳۱.
۵. بحرانی، شیخ یوسف؛ الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
۶. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۷. پیروزفر، سهیلا؛ «حکم روایت صحابه از اسباب نزول»، علوم حدیث، شماره ۳۷، ۱۳۸۴، ۴۸-۷۳.
۸. حجتی، محمداقبر؛ نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران، اسلامی، ۱۳۵۹ش.
۹. حسینی، م؛ «بررسی آماری اسباب نزول»، پژوهش‌های قرآنی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۴، ۲۴۱-۲۴۸.
۱۰. خامه‌گر، محمد؛ سلمان‌زاده، جواد؛ «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم»، پژوهش‌های قرآنی، سال هجدهم، شماره ۷۲، ۱۳۹۲، ۱۲۳-۹۲.

۱۱. خرمشاهی، بهاء‌الدین (به کوشش)؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، ۱۳۸۱ش.
۱۲. ربانی، حسن؛ صدر، سید موسی؛ «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول»، پژوهشهای قرآنی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۴، ۸۶-۶۵.
۱۳. زرکشی، محمدبن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۴. سجادی، سید ابراهیم؛ بهرامی، محمد؛ «نقد و بررسی کتاب‌های اسباب نزول»، پژوهشهای قرآنی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۴، ۱۵۶-۱۲۵.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. _____؛ لباب النقول فی اسباب النزول، مشهد، بی‌نا، ۱۳۸۳ش.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث، بی‌تا.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
۱۹. غازی عنایه؛ اسباب النزول القرآنی، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۱ق.
۲۰. غضنفری، علی؛ «راهکارهای حل تعارض در اسباب نزول آیات»، پیام جاودان، شماره ۹، ۱۳۸۴، ۷۲-۴۸.
۲۱. محمد رأفت، سعید؛ تاریخ نزول القرآن الکریم، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۲۲ق.
۲۲. مستفید، حمیدرضا؛ دولتی، کریم؛ تقسیمات قرآن و سور مکی و مدنی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۸۴ش.
۲۳. مسعودی، محمد مهدی؛ «تطابق تفسیری اسباب نزول و آیه - روشی برای نقد اسباب نزول»، پژوهشهای قرآنی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۴، ۳۴-۱۵.
۲۴. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۵. نفیسی، شادی؛ علامه طباطبایی و معیارهای فهم و نقد احادیث اسباب نزول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱ش.
۲۶. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ اسباب النزول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.